

## شناخت و بررسی علل و زمینه های قانون گریزی

محمد رضا عسگری<sup>۱</sup>، مینا محرابی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار گروه مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره)

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی گرایش استراتژیک، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره)

---

### چکیده

قانون گریزی نوعی جهت گیری نسبت به هنجارهای قانونی است که بر اساس آن، فرد عدم پیروی از این هنجارها را به پیروی از آنها ترجیح می دهد. استحکام و انسجام هر جامعه ای، توجه به قانون و رعایت آن است و قانون پذیری و قانون گرایی در جامعه به منزله پذیرش منطق قانون است. با وجود این، برخی از انسانها روی از قانون بر می گردانند و قانون شکنی می کنند. هدف اصلی این پژوهش شناخت و بررسی علل و زمینه های قانون گریزی میباشد. در این پژوهش به بیان زمینه های قانون گریزی و نظریه های قانون گریزی و برخی علل قانون گریزی پرداختیم.

**واژه های کلیدی:** قانون، قانون گریزی، نظریه، علل قانون گریزی، قانون گرایی.

---

## مقدمه

یکی از احتیاجات و لازمه های زندگی اجتماعی نظم و امنیت جامعه است که افراد جامعه در جریان اجتماعی شدن هنجارها، ارزشها، آداب و قوانین جامعه خود را به تدریج فرا می گیرند و آن را جزئی از شخصیت خود قلمداد می کنند. پر واضح است که زندگی بدون مقررات و قوانین، نظم و امنیت هر جامعه ای را تهدید و باعث سلب آرامش و آسایش افراد جامعه می شود. زندگی در جوامع امروزی بدون وجود قوانین که روابط افراد و نهادها و مؤسسات را تنظیم می کند، تقریباً غیر ممکن به نظر می آید.

یکی از مشکلات عمده اکثر کشورهای امروزی به لحاظ حقوقی، میزان و درجه پذیرش واقعی قوانین از سوی افراد جامعه است. هر اندازه میزان پذیرش قانون از سوی اکثریت افراد جامعه کمتر باشد، امکان اجرای درست آنها فراهم نخواهد شد، اجرانشدن قوانین در سطوح خرد و کلان جامعه در بلند مدت مشروعیت قوانین موجود را زیر سؤال میبرد. این مسئله می تواند در ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی و اخلاقی جامعه اثر گذاشته و احیاناً موجب گسیختگی و بی سازمانی اجتماعی را به دنبال داشته باشد (فخرایی، ۸۰-۶۴:۱۳۷۸). هر چند که مفاد قانونی در کتب و جزوات بسیار زیبا و با صلابت و آرمانی اند، اما در مرحله عمل و اجرا اکثر کشورها مشکل دارند. بدیهی است که اجراء نشدن قانون با عدم وجود آن تفاوت چندانی ندارد. لذا برای بیشتر جوامع عدم اجرای قوانین و عوارض و تبعات بی قانونی یک مشکل جدی و قابل توجه است (صالحی، ۱۳۷۸) در کشور ایران مشکلات فرهنگی و اجتماعی بی شماری در مقابل پذیرش عمومی قانون وجود دارد. ساخت اجتماعی این جامعه به گونهای است که هنوز روابط خویشاوندی، هنجارهای قومی و سنتی و روابط دوستانه غیر رسمی، حاکمیت خود را بر رفتار های افراد از دست نداده اند. این هنجارها و روابط سنتی در کنار قوانین و مقررات رسمی به حیات خود ادامه و دارای کارکرد نیز است. بر این اساس، قانونگریزی به عنوان یکی از مسایل عمده جوامع از دیرباز مورد توجه عالمان و سیاستمداران جامعه بوده است. حتی پژوهشگران اجتماعی یکی از مهمترین علل عدم توسعه یافتگی مطلوب کشور را عدم رعایت قانون در جامعه می دانند. زیرا جامعه ما از زمان «قائم مقام فراهانی» و «میرزاتقی خان امیر کبیر» قدم در راه توسعه گذاشت، ولی از آن زمان تاکنون حدود ۱۵۰ سال می گذرد، آنچنان که باید و شاید به هدف خود دست نیافته است، اما همچنان خواستار توسعه معقول می باشد. اغلب نظر سنجیها و تحقیقاتی که به سنجش میزان قانون گرایی در بین ایرانیان پرداختند، به این نتیجه رسیدند که در ایران تمایل زیادی به رعایت قانون در جامعه دیده نمیشود (محسنی، ۱۳۷۸:۸۱؛ رفیع پور، ۱۳۷۸ و مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷:۳).

## پیشینه پژوهش

دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۸) به موضوع هدف شناسایی موانع قانونگریزی و قانونشکنی و ارائه راهکارهای مقابله با آن پرداخته اند. جامعه آماری این تحقیق، متخلفان قوانین راهنمایی و رانندگی و مجرمان در استان مازندران بوده است حجیم نمونه ۷۵۰ نفر بوده است و نمونه ها به روش نمونه گیری تصادفی به دست آمده است و از گروه اول ۲۳۰ نفر و از گروه دوم ۵۲۰ نفر برای بررسی انتخاب شده اند ابزار گردآوری داده های این پژوهش، مصیاحبه و پرسشنامه بوده است. نتایج پژوهش نشان داده است که بین ویژگی های شخصیتی افراد، آموزش و آگاهی آنها از قوانین، ضعف و خلاء قوانین، بهنجاری، مشکلات قانون گریزی و اجباری بودن قوانین با قانون گریزی رابطه معناداری وجود دارد.

تنکابنی (۱۳۸۹) در پی پاسخ این پرسش بوده است که با توجه به اهمیت قانون و نظم در آرای دانشمندان حوزه علوم اجتماعی و مدیریت و اداره امور، وضعیت قانون مداری و پیشینه آن در نظامهای اداری دوره قاجار چگونه بوده است در این پژوهش، محقق با بهره گیری از روش ساختمندگرا - که کنش و ساختار را به صورت توأمان مداخله گر در تبیین علمی پدیده های اجتماعی می شمارد - به پرسش یاد شده پرداخته شده است. در این پژوهش چنین آمده است کیه نظیم و قاعده روزی، به

مثابه یکی از ارکان امور مدیریت و سیازمان، در اصل، مولود و محصول قانون به عنوان مهمترین محک سنجش امور و پدیده های جاری جوامع و قانون باوری است. در جوامع اروپایی، وجود قوانین و رویه های حقوقی حتی در دوره های تاریخی حاکمیت سلطنت مطلقه، سبب پدید آمدن و لبه روح قانون مداری در اکثر جنبه های زندگی و همچنین در عرصه مطالعات و نظریه های علمی در حوزه های گوناگون و از جمله علوم اجتماعی و مدیریت شده است؛ حال آنکه در ایران، به دلیل وجود حکومت های استبدادی و خودکامه پادشاهی و فقدان قانون، همواره روحیه و عادت قانون گریزی و قانون ستیزی در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی به ویژه در اداره عمومی و کارکرد نظام دیوان سالاری، وجه غالب امور جاری جامعه شده است. این روحیه در دوره قاجار و پی از آن تداوم و تشدید یافت و حتی پدیده انقلاب مشروطیت هم قادر به تحول بنیادین در آن نشد.

میرخلیلی و همکاران (۱۳۹۳) بسترهای اعمال قوانین جزایی را مطالعه کرده اند و نشان داده اند که بر پایه اصول حاکم حقوق کیفری، اصل کلی بر آن است که در قلمرو بیک کشور دادگاههای آن کشور صرفاً قوانین جزایی خود را اعمال کنند؛ در حالی که در حق خصوصیتی این امکان که دادگاههای یک کشور قوانین کشور دیگری را اجرا کنند وجود دارد. اصل عدم اعتبار قوانین جزایی دیگر کشورها، برای دادگاههای جزایی، اصلی است که به شکل سینتی در روای کشورها و در عرصه حق و جزای بین الملل وجود داشته است؛ در واقع، کشیورهای مختلفی اعمال مطلق و بدواستثنای این اصل را از شاخه های اقتدار در حاکمیت خود میدانند. در عین حال، نیازهای جوامع امروزی سبب شده است کشورهای مختل، به صورت استثنایی به تبدیل این اصل بپردازند و مواردی چون نهاد انتقال محکومین به حیو نیابت قضایی بین المللی را بپذیرند.

زوت وله -تروان و همکاران (۲۰۱۴) در مقاله ای تشکیل خانواده و رفتار مجرمانه را بررسی قرار کرده اند. در این مطالعه اثرات تشکیل خانواده بر اعمال مجرمانه ۵۴۰ زن و مرد با رفتارهای مجرمانه و پرخطر در هلند مطالعه شده است. تحلیل داده ها در مورد مردان نشان داد که ازدواج باعث دوری آن ها از جرائم جدی می شود. مردان همچنین با پدر شدن و داشتن نخستین فرزند از جرائم بیشتر دوری می جویند. خانواده های با انسجام کامل بیشتر از جرائم دوری می جویند. زنان با الگوی رفتاری مجرمانه، به شکل معناداری تحت تأثیر مثبت وضعیت تأهل و میادر شدن - برای دوری جستن از رفتارهای مجرمانه - قیرار نمی گیرند (زوتول و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴)

پرات در مقاله ای نظریه جریان زندگی خودکنترلی رفتار» را ارائه کرده است. وی در این مقاله بر آن است تا «مجرمانه نظریه های ظاهراً متضاد پیرامون رفتار مجرمانه را به هم پیوند دهد؛ بدین ترتیب که: الف - خودکنترلی به عنوان فرایندی پویا در معرض تغییرات قابل ملاحظه موقعیتی در گذر زمان دیده شود. ب - خودکنترلی به عنوان علتی مهم برای انتخاب انواع رخدادهای مهم زندگی (مثبت و منفی) دیده شود که به سهم خود، فرد منحرف و هنجارگریز را تحت تأثیر قیرار می دهد (پرت<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶)

## تعریف قانون

در فرهنگ معین، قانون چنین تعریف شده است: قانون قاعده ای است که مقامات صلاحیت دار (قوه مقننه) وضع و ابلاغ کنند و آن مبنی بر طبیعت عالم تمدن و متناسب با مصلحت مردم است و همه افراد مملکت باید از آن تبعیت کنند (معین ۱۳۶۳)

قانون، اظهار رسمی نظام ارزشی قدرت اجتماعی مسلط است. قانون در همه جنبه های مثبت و منفی زندگی انسان حاضر است. انسان درست مانند هوایی که تنفس می کند با قانون احاطه شده است. قانون در همه شرایط تا پایان زندگی انسان و حتی بعد از مرگش در تعقیب انسان است. قانون مقوله ای اجباری و منفی است، اما مثبت نیز هست، به این معنا که ارزش های قدرت اجتماعی حاکم را تأیید می کند. از این رو قانون همیشه مرتبط با واقعیت نیست. بحث مرکزی قانون درباره آنچه

<sup>۱</sup> Zoutewelle & et al

<sup>۲</sup> Pratt

هست، نیست، بلکه درباره آنچه باید باشد، بحث م یکنند. برای ما مجبوریم از جهان قانون خارج شویم و «؟ قانون چیست» پاسخ به سؤال هنجارهای قانونی را از یک دیدگاه وسیع تری ببینم. هم چنین قانون پدیده ای سیاسی و اجتماعی است و هر بررسی از ماهیت آن نمی تواند تحلیل های تاریخی و جامعه شناختی آن را نادیده بگیرد (اسچافر، ۱۹۶۹)

مجموعه ای از قواعد رفتاری است که از "در حقیقت باید گفت که قانون طریق مجاری رسمی جامعه شکل رسمی به خود می گیرد و اجرای آن برای همه این قواعد بخش های مختلف جامعه را تحت کنترل و "افراد جامعه لازم است سیطره خود قرار می دهد. نتیجه این کنترل نظم اجتماعی است.

با توجه به این موضوع است که پیروی از قانون به مقوله ای مهم در هر جامعه تبدیل می شود و قانون گریزی هم واکنش جدی جامعه را به همراه خواهد داشت.

### تعریف قانونگریزی

در جامعه شناسی مفاهیم مختلفی چون انحراف، جرم، بزهکاری و کجروی برای کسانی که قواعد اجتماعی را نادیده میگیرند، به کار گرفته میشود. اما این مفاهیم با یکدیگر تفاوت دارند. به هر روی نظم در هر جامعه ای مبتنی بر مجموعه ای از هنجارها و قواعد اجتماعی است. برخی از این هنجارها عرفی و غیر رسمی و برخی دیگر رسمی است و ضمانت اجرایی دارد. به همه افرادی که از هر گونه هنجاری در جامعه تخطی کنند، کجرو یا منحرف میگویند؛ اما برخی افراد از قوانین رسمی جامعه تخطی میکنند و آن را نادیده میگیرند که به آنها قانونگریز میگویند. در این میان به افرادی که از قوانین رسمی جامعه پیروی نمیکنند اما به سن قانونی نرسیده اند، بزهکار میگویند. مجرم به فردی گفته میشود که به تکرار از قوانین رسمی جامعه تخطی میکند، اما شدت انحراف او بالاست و آسیب فردی و اجتماعی شدیدی برای جامعه به همراه خواهد داشت.

با توجه به مطالب بالا «قانونگریزی، رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه، نتیجه میشود» و «قانونگریز، کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد، قوانین رسمی جامعه را نادیده میگیرد.» با توجه به اینکه همه افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی میکنند و کسانی هم هستند که همیشه قوانین را نادیده میگیرند، بنابراین قانونگریزی طیفی از رفتار است که از قانونگریزی دائمی، خشن و شدید (مثل سرقت، قتل و ...) تا قانونگریزی گهگاهی، غیر خشن و ضعیف (مثل ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و ...) را در برمیگیرد. به قانونگریزی نوع اول و به قانونگریزی نوع دوم، قانونگریزی نرم قانونگریزی سخت میگوییم.

آنچه مسلم است اینکه همه افراد جامعه به نوعی مرتکب قانونگریزی از نوع دوم میشوند، زیرا این نوع قانونگریزی به دلیل ویژگیهایی که دارد راحتتر در جامعه انجام میپذیرد به طوریکه در جامعه به شکل عادت و امری معمول و حتی پذیرفته شده از دیدگاه عموم مردم درآمد است.

### زمینه های قانون گریزی

برای فهم زمینه های قانون گریزی در جامعه باید دست کم چهارعامل را دخیل بدانیم که درنظمی سلسله مراتبی می توان شامل موارد ذیل باشند:

۱- تدوین کنندگان قانون

۲- محتوای قانون

۳- مجریان قانون

#### ۴- تابعان قانون (مردم)

اگرואضعان قانون که هم می توانند افرادوهم دستگاہ های قانون گذارباشند، نخست متخصص و سپس از فرایندهای انتخابی مدنی برگزیده شوند، می توان قانون گریزی افرادجامعه راتاحدبسیاری کاهش داد. بدیهی است وقتی قانون گذاران از دالان های روابط، برمسندقانون گذاری تکیه زنند، شکافی میان آنان با مردم ایجادمی شودکه جز باقانون گریزی پرنمی شود.

ناقص ونامربوط بودن محتوای قانون هم می تواندزمینه ی قانون گریزی رادرجامعه فراهم کند. ازآنجا که فلسفه وضع قوانین تثبیت نظم وامنیت اجتماعات انسانی است بنابراین چنانچه این قوانین نتوانند چنین هدفی راتضمین کنند ومهم ترآزان، تبعیض آمیز و با ارزشها وفرهنگ عمومی جامعه درتضادباشند طبیعی است که با بی اقبالی درجامعه مواجه خواهندشوددرنتیجه افرادبا زیرپانهادن یا دورزدن، ازآن رویگردان وگریزان خواهندشد.

ازدیگرسو، تابعان یعنی تمامی افراد ی که با باورداشت ها یا پیش باورهای خود که نشات گرفته از فرهنگ فردی وجمعی جامعه ای که درآن زندگی می کنند، می توانند درقانون گریزی (یاقانون مداری) موثرمواقع شوند.

درنهایت بی اعتنایی مجریان قانون به قوانین مصوب درجامعه، عامل دیگری برای قانون گریزیافرادجامعه است. بی شک نقض وبی احترامی به قوانین، ازجانب متولیان، ماموران ومجریان قانون، اثرروانی بسیاری بر رعایت کنندگان آن ودرنتیجه قانون گریزی خواهدداشت؛ بنابراین پدیدآیی قانون گریزی همیشه مختص نارسایی وناقص بودن قوانین نیست بلکه دربسیاری از موارد ناتوانی، ناکارآمدی وتخلف مجریان و دستگاہ های اجرایی نیزمی تواند تشدیدکننده قانون گریزی باشد که درذیل نمونه هایی ازاین قبیل اشاره می گردد.

#### نمونه ها:

- نقض قوانین راهنمایی ورانندگی ازجانب مجری وخاطی قانون، باعث شده تا بسیاری به بهانه ی عدم تطابق تخلف ومیزان جریمه اقدامات نوآورانه ای! برای تخفیف یا نپرداختن جریمه خودکشف کنند! درموارددیگری، گاه اتفاق افتاده کسی که دارای گواهینامه ی رانندگی نیست حادثه ای جانی یاخسارتی مالی برای دیگری بوجودآورده اماباروابطی! برای فرارازپیامدهای قانونی این عمل غیرقانونی خود، فرددیگری راکه دارای گواهینامه ی رانندگی است به مراجع تصمیم گیرم معرفی می کنند.

- درحوزه نیروهای انتظامی نیز گاه به دلیل عدم تناسب فضاوامکانات بازداشت گاه ها با ناقضان حریم قانونی ونظم وامنیت جامعه، باعث شده تا نیروهای انتظامی عملاً دراعمال کامل قانون، باسرگردانی هایی مواجه گردندکه همین امر زمینه قانون گریزی رابرای طرفین مسئول وخاطیان فراهم آورده است.

- جعل وسندسازی های غیرواقعی که گاه باهماهنگی مسئولان بانک ها به منظوردریافت تسهیلات یا اختلاس هایی که صورت می گیردنمونه دیگری است که علاوه برلطمات بسیاربه حقوق عمومی، خسارات فراوانی رابه بیت المال وارد کرده است.

- دربحث قضایی، نیزتناقض دراعمال قانون برای کسانی که جرم های مشابهی انجام داده اند، باعث شده تا به دلایل مختلف، بطوریکسان باقطعیت وقاطعیت قانون روبه رونباشند. به عبارت بهتر ازیک طرف، داشتن روابط یانفوذ های خاص، وازطرف دیگر وجودگریزگاہ های شخصی وغیر قانونی، قدرت چانه زنی برای قانون گریزی های مخفیانه رابرای تقلیل یا نادیده گرفتن مجازات های قانونی بالابرده است که خودبه خود، التزام افرادبه قانون مداری را درجامعه، کاهش وقانون گریزی رافزایش داده است.

- واگذاری غیرقانونی یا صوری صنایع دولتی ازجانب مدیران اجرایی به بخش خصوصی!

- تخلفات وقانون گریزهای مختلف درثبت نام دانش آموزان مدارس خاص و برخوردار و عمل به راهکارهای پیشنهادی پیش رو ... همه نشان از صورت های مختلف قانون گریزی های مجربان قانون اند.

### نظریه های قانون گریزی

می توان گفت که از ابتدای پیدایش جامعه شناسی، همواره یکی از موضوعات مورد توجه جامعه شناسان کلاسیک، موضوع نظم اجتماعی و به خطر افتادن آن بوده است. جامعه شناسان دلائل مختلفی را از ابتدا تاکنون درباره انحراف (قانون گریزی) افراد در جامعه مطرح کرده اند. عمده این نظریه ها را می توان در دو پارادایم اثبات گرا و پارادایم بر ساختگرا دسته بندی کرد. در حالی که پارادایم اثباتگرا بیشتر به محیط و جامعه به عنوان دلیل انحراف توجه دارد، پارادایم بر ساختگرا فرد را در کانون تحلیل انحراف قرار می دهد.

در مجموع می توان گفت که نظریه ها برای تحلیل انحراف یا بر فرد تأکید کرده اند یا تأکید آنها بیشتر بر جامعه بوده است؛ اما برخی از نظریه های جدید هم تلاش کرده اند تا انحراف را با در نظر گرفتن تأثیر متقابل ویژگی های فردی و ویژگی های جامعه تحلیل کنند. بر این اساس، نظریه های قانون گریزی را می توان به سه دسته نظریه های کلی فردگرا، جامعه گرا و تلفیقی تقسیم کرد.

### الف) نظریه های فردگرا

با دقت در این نظریه ها مشخص می شود که نظریه های اولیه که به تبیین انحراف پرداختند، فرد را در کانون تحلیل خود قرار داده اند، هر چند این نظریه ها بعدها هم در جامعه شناسی جایی برای خود باز کرده اند.

به لحاظ تأکید بر فرد در تحلیل انحراف می توان دو دیدگاه کلی را از یکدیگر تفکیک کرد: دیدگاه اول دیدگاه گزینشی است. در این دیدگاه نظریه هایی قرار دارند که با تأکید بر مفهوم اختیار به تبیین رفتار فرد کجرو می پردازند. نظریه های کلاسیک جامعه شناسی انحراف بر اساس رویکرد گزینشی جرم را مورد تحلیل قرار می دادند. رویکرد کلاسیک با نقدهای فراوانی از جمله نادیده گرفتن شرایط اجتماعی در تحلیل انحراف، اما بعدها این رویکرد با عنوان رویکرد: مواجهه شد آشکار شد. رویکرد جدید به مانند رویکرد کلاسیک اصل اختیار را در کنش های انسانی در نظر می گیرد، اما برخلاف رویکرد کلاسیک، رفتار فرد را تحت تأثیر شرایط محیطی هم می داند. دیدگاه دوم دیدگاه خصیصه های فردی است. در این دیدگاه نظریه هایی قرار می گیرند که بر اساس ویژگی های فردی به تبیین جرم می پردازند، با در نظر گرفتن ویژگی های فردی می توان دو دسته از نظریه ها در جرم شناسی را از یکدیگر تفکیک کرد.

### ۱ - الف) نظریه های زیست شناختی

نظریه های زیست شناختی تلاش دارند تا جرم را بر اساس ویژگی های زیستی و بدنی افراد منحرف تبیین کنند. در اینجا نیز دو دسته نظریه را می توان از یکدیگر تفکیک کرد. نظریه هایی که تأکیدشان بر ساختار ظاهری بدن از جمله قد، وزن، شکل بدن و به خصوص صورت افراد کجرو است؛ و نظریه هایی که تأکیدشان بر ویژگی های ژنتیکی و کروموزومی است. در حقیقت این دسته از نظریه ها وراثت را عاملی مهم و تأثیرگذار کجروی افراد می دانند.

### ۲ - الف) نظریه های روان شناختی

نظریه های روان شناختی به نظریه هایی گفته می شود که بر اختلالات روانی، فکری و شخصیتی و حتی نیازهای روانی برای تحلیل من انحراف تأکید دارند. نظریه های روان کاوی نارسایی های موجود را عامل کجروی می دانند و جامعه پذیری ناقص به ویژه در دوران کودکی «فرامن» را موجب ایجاد این شرایط می دانند.

برخی دیگر از نظریه ها نارسایی های شخصیتی را عامل کجروی افراد می دانند. در حقیقت از این منظر شخصیت نابهنجار دارای ویژگی های ناسازگار با شیوه های پذیرفته شده زندگی هستند. این افراد نمی توانند با محیط خود سازگاری یابند و این عدم سازگاری موجب کجروی آنها در جامعه می شود

### ب) نظریه های جامعه گرا

در مقابل نظریه های فردگرا دسته بزرگی از نظریه ها قرار دارند که انحراف را با در نظر گرفتن تأثیرات محیط اجتماعی که فرد در آن قرار دارد، مورد تحلیل قرار می دهند. در این دسته از نظریه ها که می توان آن ها را نظریه های جامعه شناختی انحرافات اجتماعی نام نهاد، فرد به عنوان انسانی اجتماعی در نظر گرفته می شود که رفتارش کاملاً مطابق با شرایطی که در آن زندگی می کند قابل فهم است به هر حال در اینجا به دلیل تأکیدات متفاوتی که بر نقش جامعه و روابط فرد با محیط اجتماعی می شود نظریه های متفاوتی شکل گرفتن بر این اساس، نظریه های فشار، نظریه های فرایند اجتماعی و نظریه های تضاد را می توان از یکدیگر تفکیک کرد.

### پ) نظریه های فشار

نقطه شروع در نظریه فشار این تصور است که جرم اصولاً پدیده ای اجتماعی است. این نظریه جرم را به نوعی با فرایندها و ساختارهای اجتماعی مرتبط می بیند و بر آن است که این فرایندها و ساختارها آن عمل را شکل می دهد. به تعبیری علت اصلی جرم در درون اجتماع است. در حقیقت، سازمان اجتماعی خاص در یک جامعه است که افراد را برای عمل انحرافی تحت فشار قرار می دهد. نظریه های فشار را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

#### ۱-پ) نظریه ساختی - کارکردی

بر اساس این دیدگاه، این ساختارهای کلی جامعه است که شرایطی مثل نابرابری را به وجود می آورند که در آن افراد برای رسیدن به ارزش های مطلوب جامعه دست به کجروی دورکیم و مرتن می زنند نظریه پرداز اصلی در این رویکردند.

#### ۲-پ) نظریه های خرده فرهنگی

در این دیدگاه که تحت تأثیر نظریه مرتن شکل گرفت، دلیل کجروی خرده فرهنگ بزهکارانه است که از طرف گروه های مختلف جامعه در برابر فرهنگ اصلی جامعه پذیرفته می شود. در حقیقت، هنجارهای این خرده فرهنگ ها افراد عضو را مجبور به پذیرش اعمال کجروانه در جامعه می کند.

### ت) نظریه های فرایند اجتماعی

نظریه های فرایندی بر موقعیتی تأکید دارند که در آن کجروی اتفاق می افتد. این دسته از نظریه ها بر فرایندهایی تأکید دارند که از طریق آن کجروی آموخته می شود. به دلیل همین تأکید بر فرایندهایی چون تقویت، یادگیری، کنترل و برچسب، نظریه های مختلفی در این دیدگاه وجود دارد پیش فرض نظریه کنترل اجتماعی آن است که افراد رفتاری کجروانه خواهند داشت، مگر اینکه مورد کنترل قرار گیرند. از منظر نظریه یادگیری اجتماعی، کجروی از طریق کنش متقابل با افراد کجرو یاد گرفته می شود. در حقیقت، این فرهنگ جامعه است که فرد از طریق عضویت در آن کجروی را یاد می گیرد. همچنین بر اساس دیدگاه برچسب زنی، کجروی با واکنش های اجتماعی نسبت به رفتاری که تخلف دانسته می شود، در ارتباط است. در حقیقت، کجروی از طریق فرایند انگ زنی اتفاق می افتد.

پدیدارشناسان به تفسیر ذهنی کج رفتار از کج رفتاری می پردازند از نظر آنان، افراد نسبت به کج رفتاری خود در جامعه آگاهی دارند و حتی ارزش های آنها مغایر با ارزش های جامعه نیست. تنها این روش های خنثی سازی است. که فرد را در ادامه کجروی خود مصمم می کند. به دلیل توجه هم زمان فرد و جامعه، می توان بر این نظریه ها، نظریه های روان شناسی اجتماعی هم نام نهاد.

### س) نظریه های انتقادی

نظریه های انتقادی مجموعه ای از نظریه ها هستند که با انتقاد از وضعیت موجود جامعه به تحلیل انحراف و جرم افراد در جامعه می پردازد. این نظریه ها یا با انتقاد از وضعیت جامعه سرمایه داری، سلطه طبقه حاکم بر طبقه تحت سلطه را عامل

کجروی افراد می دانند (نظریه مارکسیستی) یا نظریه تضاد که تضادهای موجود در جامعه (جنسیتی، نژادی و...) را عامل انحراف به شمار می آورند یا در قالب نظریه های فمینیستی به نقد وضعیت زنان در جامعه میپردازند و این وضعیت را موجب جرایم خاص زنان یا عدم کجروی زنان می دانند.

## برخی علل قانون گریزی

### ۱- ریشه های تاریخی

در بررسی گذشته کشور ایران، حکومت های متعددی قابل مشاهده اند که عدم مشروعیت آنها نزد افکار عمومی آن دوران زمینه مساعدی را برای عدم تبعیت از قوانین موضوعه آن حکومتها فراهم می کرده است. خصوصاً بعد از آشنایی مردم ایران با اسلام و تبعیت از اندیشه های دینی و غاصب دانستن حکومت های دین گریز یا بعضاً دین ستیز، قوانین تنها در مقام اجبار، مردم را ملزم به تبعیت می کرده اند و اگر مردم از چنین قوانینی در سلطنت های مختلف، بروز و ظهورهای گوناگونی داشته است. عدم مشروعیت حکومتها و به تبع دستگاههای قضایی، مردم را به سمت کانون های غیردولتی دیگری در مقام حکم و حل و فصل اختلافات سوق می داده و این امر در سایر قوانین مشاهده می شده است.

حکومت های سلطه جو و مهاجم به این آب و خاک نیز غالباً مقید به قوانین عادلانه ای نبوده اند و این فرهنگ ظالمانه حکومتها بر مردم بی تأثیر نبوده و فرهنگ قانون گریزی را ترویج می کرده است. قوم گرایی، تعدد فرقه های مذهبی و تفاوت زندگی در مناطق مختلف، عدم امنیت بخصوص در مناطق دور از مرکز حکومت، عدم حکومت قانونی یکپارچه در سراسر کشور از دیگر عواملی بوده اند که انگیزه های قانون گریزی را در گذشته مردم ایران تقویت می کرده است. این عوامل گاه به تشکیل نیروهای نظامی مردمی برای حمایت از جان و مال و ناموس یک قوم، قبیله یا شهر منجر می شده که درگیری همین نیروها با سایرین خود زمینه ساز قانون گریزی جدیدی بوده است. علاوه بر موارد فوق می توان به در هم ریختگی مدنی در گذار از سنت به مدرنیسم اشاره کرد که تفاوت هایی را نیز در میان زندگی های مختلف کشور داشته و تغییر نگاههایی را به قانون رقم زده است.

### ۲- ضعف معرفتی نسبت به قانون

عدم آشنایی با اهداف و کارکردهای قانون، منشأ سستی در تبعیت از قانون است. تنظیم روابط اجتماعی معمولاً مغفول اقشاری کم نصیب از تحصیلات است که به تلقی محدود شدن آزادی توسط قانون نیز منجر شده و در مجموع شرایطی را ترسیم می کند که افراد تلقی نوعی محدودیت را جایگزین فواید کثیر قانونگرایی نمایند.

در تبیین روابط آزادی و قانون، عمده افراد قانون را محدود کننده آزادی می دانند در حالیکه قانون چنین اثری نداشته، بلکه بیشتر در جهت دهی آزادی کمک خواهد کرد.

### ۳- بی توجهی به فرآیند حق و تکلیف

یکسویه دیدن الزامات قانونی بر عدم تبعیت از قانون نیز بی اثر نبوده و از نظر روانی عده ای را مکلف به تکلیفی می داند که در روی دیگر آن هیچ حقی نهفته نیست، ولی باید توجه داشت که حق و تکلیف، لازم و ملزوم یکدیگرند.

### ۴- تفکیک اخلاق از قانون

افراد معمولاً در برداشتی که از افعال اخلاقی دارند، آن را از دستورات و الزامات قانونی جدا دانسته و در صورت تعارض میان فعل اخلاقی و دستور قانونی، اولویت را با فعل اخلاقی می دانند.



## ۵- بی‌توجهی به اهداف قانون

عدم آگاهی از کارکردهای قانون، زمینه‌ساز برخی بی‌توجهی‌ها به قانون است. ایجاد نظم، تنظیم روابط اجتماعی، جهت دار کردن آزادیها، حفظ نظام اجتماع، دوری از تصمیمات بی‌ضابطه و ... مواردی هستند که توجه به آنها جلوه‌ای دیگر از قانون را ترسیم می‌نماید.

## ۶- ناهمخوانی میان فرهنگ و قانون

این اختلاف نظر همواره وجود داشته است که آیا فرهنگ مبتنی بر قانون می‌باشد یا این قانون است باید مبتنی بر قانون باشد؟ کسانی که وظیفه قانون را اصلاح تدریجی فرهنگ می‌دانند از ابتناء فرهنگ بر قانون دفاع می‌کنند. کسانی هم که نادیده گرفتن فرهنگ را معادل شکست قانون می‌دانند، معتقد به استوار شدن قانون بر پایه‌های فرهنگی می‌باشند؛ اما در هر دو حالت از فرهنگ و آداب و رسوم هر جامعه‌ای در تدوین قوانین نباید غفلت ورزید که در غیر این صورت چنین قانونی به دست فراموشی سپرده خواهد شد.

## ۷- تحلیل شخصی در مورد قانون

از دیگر علل اهمال در موارد قانونی، قرائت‌های مختلفی است که با توجه به وضعیت فکری و فرهنگی و یا انتفاعی افراد از قانون صورت می‌گیرد. یک قانون هنگامی استواری موردنیاز خویش را در نظر و عمل پیدا می‌کند که از تحلیل شخصی دور بوده و دارای ترجمه‌ای واحد در اذهان همه افراد باشد تا مورد سوءاستفاده قرار نگیرد.

## ۸- ناهمخوانی میان سخن قانون و عمل مسوولین

قوانین مختلف، مخاطبین مختلفی دارد، ولی در قوانینی که مشترک میان ملت و دولت هستند (از جمله در موارد مربوط به عدالت) مردم هیچگونه توجهی را در نقض قانون از طرف دولتمردان نمی‌پسندند و مشاهده نقض قانون توسط افسار خاصی مانند مسوولین، حرمت قانون را در میان عموم کاهش خواهد داد.

## ۹- عدم تناسب میان مکا نیسم‌های تشویق و تنبیه قانونی

آنچه تلقی عمومی مردم از قانون شده است و البته نادرست هم نیست، تنبیه و محرومیت‌هایی است که در صورت نقض قانون، گریبانگیر مجرم خواهد شد. البته هرچند قانون در معنای وضع شده‌اش برای تشویق افراد به تبعیت از قانون نبوده است، ولی همین عملکرد یکسویه قانون در برخورد با مجرمین و عدم تشویق قانونمداران، ضعفی است که عده‌ای را به نقض قانون سوق خواهد داد.

## ۱۰- تفکیک میان قوانین و اولویت‌گذاری آنها

برخی با روش‌هایی منطبق بر منافع به تفکیک میان قوانین پرداخته و برخی را اطاعت و بقیه را معطل می‌گذارند. به عنوان مثال قوانین مربوط به اجرای صیغه نکاح مورد توجه اکثریت جامعه به هنگام ازدواج است و هزینه‌های مربوطه، مانع آن نیست ولی در مورد پرداخت مالیات چنین شمولی وجود نداشته و بسیاری در توجیهات مختلف در صورت امکان از آن طفره می‌روند.

## ۱۱- تعارض قوانین با منافع فردی

اگر تکلیفی دینی و یا الزامی عقلی در تبعیت از قوانین برای افراد ایجاد نشده باشد، معمولاً افراد در صورت مشاهده تعارض میان منافع خویش و دستورات قانون، منافع خویش را اولویت داده و از منافع اجتماعی صرف نظر می‌نمایند. بسیاری خواهان قوانینی هستند که نیازهای اجتماعی آن‌ها را برطرف نماید و مشکلی بر مشکلات آنها نیفزاید.

دلیلی مانند عدم انطباق قانون با طبع مردم نیز به عنوان یکی از موارد زمینه‌ساز قانون‌شکنی در همین راستا قابل ارزیابی است.

## ۱۲- به روز نبودن قانون

اگرچه تغییر سریع قوانین پسندیده نیست ولی وجود مواردی که ملاک عمل را در قرون گذشته معین می‌کرده اند بسیاری را خصوصاً از منظر روشنفکری به انتقاد از قوانین واداشته است که اصلاح و به روزسازی آن‌ها، درعین حفظ پایه‌های شرعی و دینی، برای استحکام بیشتر قانون لازم است.

## ۱۳- برتری یافتن عرف و اعتقادات نسبت به حجیت قانونی

پایین بودن فرهنگ قانون‌گرایی، در کنار جمعیت‌هایی تقویت می‌شود که جایگزینی هرچند سست و ضعیف را برای قانون سراغ داشته باشند. این عرف و اعتقادات و میان مذاهب مختلف نیز تنوع بیشتری یافته و استدلال‌هایی را شکل می‌دهد که توجیه کننده بی‌اعتباری قانونی‌اند.

## ۱۴- اجمال در برخی عبارات قانون

هرچند این دلیل برای تمام موارد نقض قانون در جامعه قابل تسری نیست ولی در موارد تخصصی‌تر قانون‌گریزی، زمینه‌ساز مناسب برای نقض قانون یا دفاع از قانون‌شکنی را فراهم می‌سازد.

## ۱۵- تلقی اشتباه از قوانین الزام آور

این تفکر اشتباه که اگر قانونی از تعیین مجازات برای مجرم بی‌بهره بود، می‌تواند نقض گردد، زمینه‌ای را برای عده‌ای فراهم می‌کند تا چنین قوانینی را راحت‌تر نقض کنند. تعیین مجازات برای موارد قابل توجه نیز باعث این تفکیک میان قوانین شده است که برخی قوانین را می‌توان نقض کرد چون مجازاتی بر آن مترتب نیست ولی برخی از قوانین را به دلیل ترس از مجازات نباید مرتکب شد.

## نتیجه‌گیری

چنانکه گفته شد، با وجود اینکه توجه به قانون و رعایت آن در هر جامعه موجب استحکام و انسجام آن جامعه می‌شود، با این حال برخی از افراد جامعه بنا به دلایلی تمایل به قانون‌گریزی دارند. قانون‌گریزی در هر جامع‌های دلایل خاص خود را دارد و در کشور ما نیز عوامل مختلف می‌شوند.

این تحقیق به دنبال شناخت و بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی از منظر تحقیقات مختلف انجام شده در این حوزه است. قانون‌گریزی رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه نشأت می‌گیرد و قانون‌گریز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد. در ارتباط با قانون‌گریزی، محققان نظریه‌های مختلف

ارائه داده اند که هر یک از آنها بر عامل خاصی به عنوان علت قانون‌گریزی تأکید داشته است. برخی از نظریه‌ها بر عوامل بوم‌شناختی در ایجاد انحراف تأکید دارند و نظریه‌های دیگر هم عامل ساختاری را در ایجاد انحراف مهم می‌دانند از دیدگاه نظریه‌های خرده‌فرهنگی، ویژگی‌های فرهنگی برخی از افراد جامعه آنها را به سوی انحراف می‌کشاند. رویکردهای انتقادی، نابرابری‌های موجود در جامعه از جمله نابرابری‌های اقتصادی و سیاسی و حتی جنسیتی را عامل قانون‌گریزی در جامعه می‌دانند؛ اما در مجموع می‌توان گفت که همه نظریه‌های مطرح در حوزه قانون‌گریزی یا بر ویژگی‌های فردی به عنوان علت انحراف تأکید دارند یا عوامل جامعه‌ای و ساختاری را در تحلیل انحراف مهم می‌دانند.

## منابع

۱. تنکابنی، ح. (۱۳۸۹) نظریه‌های «نظم» و «قانون» منزلت» علوم اجتماعی و مدیریت و پیشینه آن در اداره فصلنامه جامعه پژوهی، «امور ایران عصر قاجار فرهنگی، سال اول، ش ۲، ص ۳۵-۴۴.
۲. صالحی، مصطفی (۱۳۷۸). عوامل و موانع قانون‌گرایی. فصلنامه فرهنگی و اجتماعی شورای فرهنگ عمومی ارشاد اسلامی، پاییز و زمستان، شماره ۱۰۲: ۲۱-۲۰.
۳. صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳). «آسیب‌شناسی اجتماعی». تهران: انتشارات آن.
۴. دانایی فرد، ح. آذر، ع؛ و صالحی ع. (۱۳۸۸) قانون‌گریزی» در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی - فصلنامه، «فرهنگی دانش انتظام، ش ۴۴، ص ۷-۶۵.
۵. فخرایی، سیروس (۱۳۷۸). بررسی میزان قانون‌پذیری و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه فرهنگی و اجتماعی شورای فرهنگ عمومی ارشاد اسلامی ۸۰-۶۴: ۲۱-۲۰.
۶. محسنی، رضا علی (۱۳۸۴). رابطه قانون‌گرایی با کاهش جرم (قسمت اول)، ماهنامه دادرسی، سال نهم، شماره ۹-۵۱، ۵.
۷. معین، محمد (۱۳۶۳) فرهنگ فارسی معین» تهران: انتشارات امیر کبیر.
۸. میرخلیلی، م. رحمانی نعیم آبادی، ع؛ و سالاری فر، ا. (۱۳۹۳). «بسترهای توسعه اعمال قوانین جزایی در مکان» نشریه آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۸، ص ۱۸۱-۲۰۶.
9. Pratt, T. C. (2016) "A Self-Control/Life-Course Theory of Criminal Behavior", *European Journal of Criminology*, 13(1):129-146.
10. Schafer, Stephen (1969) *Theories of Criminology*, American book, Stratford press, New York.
11. Zoutewelle-Terovan1, M. Van Der Geest1, V. Aart, L Bijleveld, C. (2014) "Criminality and Family Formation: Effects of Marriage and Parenthood on Criminal Behavior for Men and Women", *Crime & Delinquency*, 60(8): 1209-1234.
12. Schafer, Stephen (1969) *Theories of Criminology*, American book, Stratford press, New York.

# Identifying and investigating the reasons and fields of law aversion

Mohammed Reza Asgari<sup>1</sup>, Mina Mehrabi<sup>2</sup>

1. *Associate Professor of Commercial Management in Islamic Azad University, Yadegar-E-Emam Unit*

2. *Master Art Student in Executive Management Course, Strategic Orientation, Management and Accounting College, Islamic Azad University, Yadegar Emem Unit*

---

## Abstract

Law aversion is a kind of orientation towards legal norms which based on that, the individual prefers to refuse or defy these norms rather than them. Stability and solidarity of each community is to consider the law and to observe the law and accepting the law and law oriented or legalism in a community is considered as law logic acceptances. In spite of this, some people refuse the law and they break the law. The main purpose of this study is to identify and to investigate the reasons and fields of law aversion in this study, we state some field of law aversion and law aversion theories and some reasons of law aversion.

**Keywords:** law, law aversion, theory, reasons of law aversion, legalism or law oriented.

---